



ریشه ها و پیامدهای قیام خونین 17 شهریور/ سردرگمی آمریکا بعد از کشتار میدان ژاله

قیام خونین ۱۷ شهریور ۵۷ در روند پیروزی انقلاب اسلامی تاثیر شگرفی داشت، چرا که در ابعاد داخلی، رویارویی و تقابل ملت با رژیم شاه را به صورت علنی به تصویر کشید، و در بعد خارجی نیز این واقعه آمریکا را به عنوان اصلی ترین حامی رژیم پهلوی دچار ابهام و سردرگمی کرد.

قیام خونین ۱۷ شهریور ۵۷ در روند پیروزی انقلاب اسلامی تاثیر شگرفی داشت، چرا که در ابعاد داخلی، رویارویی و تقابل ملت با رژیم شاه را به صورت علنی به تصویر کشید، و در بعد خارجی نیز این واقعه آمریکا را به عنوان اصلی ترین حامی رژیم پهلوی دچار ابهام و سردرگمی کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، شروع نهضت امام خمینی(ره) و مبارزات ضد شاهنشاهی در آغاز دهه چهل و قیام ۱۵ خرداد ۴۲، مردم مسلمان را در سطحی گسترده رویارویی رژیم قرار داد. تلاش های فکری و سیاسی حضرت امام(ره) به عنوان رهبر نهضت با توجه به گستره وسیع هواداران اسلام انقلابی در میان روشنفکران دینی، سرانجام در میان مجموعه مخالفان سیاسی رژیم، جایگاه استوار و خدشه ناپذیر آن را تثبیت کرد و به عنوان خمیر مایه فکری انقلاب توانست همه جریان های موجود را با خود همراه ساخته یا به حاشیه براند. اما این نهضت به جرعه ای نیاز داشت که در هفته دی ۱۳۵۶ افروخته شد و انقلاب را در شکل تازه ای که عبارت از رویارویی آشکار و مستقیم با رژیم پهلوی بود به حرکت در آورد و فضای نسبتا مساعد سیاسی سال های پس از ۱۳۵۵ نهضت را سرعت و شتاب بیشتری بخشید، که طبیعتا واکنش دولت، سرکوب خونین و قهرآمیز همه خیزش های انقلابی در تمامی مناطق کشور بود. یکی از مقاطع حساس مبارزات ملت مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی، قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ می باشد که تا حدی به بررسی قیام و آثار آن خواهیم پرداخت.

در پی سیاست سرکوب خونین در اواخر بهار تا اواسط تابستان سال ۱۳۵۷ از شدت و گستره اعتراضات و فعالیت های مخالفان رژیم تا حد زیادی کاسته شد و در تیر ماه همان سال، اوضاع کشور کاملا رو به آرامش نهاد. ناظران خارجی و مفسران سیاسی رژیم به این جمع بندی دست یافتند که شاه پس از يك رشته درگیری با شورشیان و سرکوب مخالفان از دی ماه ۱۳۵۶ تا خرداد ماه ۱۳۵۷، اکنون ابتکار عمل را به دست گرفته و کاملا بر اوضاع مسلط است و اکنون هیچ خطر جدی رژیم را تهدید نمی کند. شاه در این دوران در يك مصاحبه تشریح کرد که "هیچ قدرتی توان کنار نهادن مرا نخواهد داشت. چه ۷۰۰ هزار تن نیروی از من پشتیبانی می کنند، همه کارگران و اکثریت مردم پشت سرم هستند و من قدرتمندم."

اما شهریورماه سال ۱۳۵۷ که مصادف با ماه رمضان بود. در شب های این ماه مبارک، در اکثر مجالس مذهبی و مساجد از اسارت و خفقان و نبود آزادی و توهین رژیم به مقدسات ملت ایران صحبت می شد و مردم اعتراض خود را در قالب راهپیمایی نشان می دادند. نطفه ی روز خونین ۱۷ شهریور، در شب های ماه رمضان و بعد از روی کار آمدن دولت به اصطلاح آشتی ملی شریف امامی - در پنجم شهریور - بسته شد.

تظاهرات و قیام ۱۷ شهریور ۵۷ به دلیل کشتار بیش از ۴۰۰۰ نفر از مردم در خیابان های تهران به ویژه میدان شهدا (ژاله) به جمعه سیاه معروف شد. این واقعه تنها بیست روز پس از واقعه آتش سوزی سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ رخ داد. دولت جمشید آموزگار که با شعار دولت فضای باز سیاسی روی کار آمده بود بعد از واقعه سینما رکس آبادان مجبور به استعفا شد و در روز ۴ شهریور، محمدرضا پهلوی از جعفر شریف امامی که فرزند روحانی و رئیس مجلس سنا بود و به برخی مخالفت ها با دولت هویدا مشهور بود، دستور داد تا دولتی با شعار آشتی ملی تشکیل دهد.

اندکی بعد و در روز سیزدهم شهریور، راهپیمایی بزرگ عید فطر در تپه های قیطریه تهران، تبدیل به تظاهرات بر ضد حکومت شاهنشاهی شد. به دنبال این تظاهرات، ناآرامی های دیگری نیز تا روز شانزدهم شهریور به وقوع پیوست.

دعوت کننده اصلی راهپیمایی روز هفده شهریور روحانی ای به نام علامه یحیی نوری بود. این فرد از مبارزین برضد نظام شاهنشاهی بود که به صورت انفرادی عمل می نمود و ساکن اطراف میدان ژاله بود. از اولین ساعات صبح روز جمعه، مردم برای شرکت در راهپیمایی و نماز جمعه به امامت علامه یحیی نوری راهی میدان ژاله گردیدند. غافل از آنکه از ساعت ۶ صبح، حکومت نظامی توسط فرماندار تهران ارتشبد "غلامعلی اویسی" اعلام و در حال اجرا بود و اجتماع بیش از سه نفر ممنوع بود. اعلام دیر هنگام حکومت

نظامی (ساعت 6 صبح همان روز) از دلایل شلوغی این تظاهرات بود.

فرماندهان نظامی ابتدا چندبار با بلندگو از مردم خواستند که متفرق شوند و وقتی با بی‌تفاوتی مردم روبه‌رو شدند، به سوی آنان آتش گشودند. فرمانداری نظامی تهران آمار 87 کشته و 250 مجروح را تأیید نمود. اما مخالفان اعلان داشتند که در این روز بیش از 4000 نفر کشته شده‌اند و تعداد کسانی که تنها در میدان ژاله جان باخته‌اند 500 نفر است.

این واقعه خونین دارای پیامدهایی نیز بود:

- تزلزل در اراده رژیم در رویارویی با ملت
- تزلزل ارتش
- تعمیق شکاف بین مردم و حکومت پهلوی
- تشدید سر در گمی آمریکا در برابر مسائل ایران
- گسترش اعتصابات و تضعیف روز افزون دولت

در مجموع حوادث ۱۷ شهریور، انسجام ارتش را متزلزل و اراده آن را با تردید مواجه ساخت. استقرار طولانی مدت ارتش در میدان‌ها و مراکز مهم شهر که می‌بایست همانند نیروهای انتظامی با انقلابیون مقابله کند، از کارآمدی ارتش و توان آن کاست. چرا که ارتش اساساً به منظور حفظ امنیت مرزها و پاسداری از کشور در برابر تهدیدات خارجی به وجود آمده بود. اما اکنون ارتش می‌بایست تحت فرمان فرمانداری‌های نظامی شورای امنیت استان عمل کند که خواه ناخواه با هیأت دولت و سایر مراکز قدرت در نحوه و اجرای فرامین حکومت نظامی اختلاف نظر می‌یافت.

امام خمینی یک روز پس از ۱۷ شهریور در اعلامیه‌ای در نجف خطاب به ملت ایران، شاه را دستوردهنده اعلان حکومت نظامی و مسئول مستقیم کشتار مردم دانست و به ارتشیان هشدار دادند تا در کنار ملت قرار گیرند و از همین زمان با تلاش رهبران محلی انقلاب، بسیاری از ارتشیان به ملت پیوستند.

واقعه ۱۷ شهریور اگرچه در ابعاد داخلی، رویارویی و تقابل ملت با رژیم شاه را به صورت علنی به تصویر کشید، اما بررسی ابعاد خارجی این واقعه ما را به نکات حایز اهمیتی رهنمون می‌سازد. پس از ۱۷ شهریور ۵۷، اگرچه کارتر رئیس جمهور آمریکا طی تماسی تلفنی با شاه او را از هر جهت مطمئن می‌سازد اما استراتژیست‌های کاخ سفید در طرح‌های خود برای حمایت از رژیم شاه تجدید نظر می‌کنند. به گونه‌ای که چند ماه بعد در کنفرانس گوادلوپ، کارتر در کنار رهبران سایر قدرت‌های جهانی به صراحت اعلام می‌دارد: محمد رضا پهلوی باید حکومت را رها کند.